

## حمایت و صیانت از تولید ملی، دوره سده عالمانه و روحانیان عصر قاجار (سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۶۴ ه.ق)

سجاد بزرگر هفشجانی<sup>۱</sup>

محمدحسین فتاحیان<sup>۲</sup>

### چکیده

ورود کالاها و محصولات ماشینی غربی به دلایل مختلفی نظیر نوآوری در تولید و برتری تکنولوژی و تفوق سیاسی- نظامی و غیره روانه بازار شهرهای بزرگ و کوچک ایران در دوره قاجار شد. ورود سیل آسای محصولات جدید خارجی و تعارض این عناصر با عادت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و دینی غالب در جامعه موجب ایجاد واکنش در بین برخی از گروه‌ها و اقشار جامعه گردید. علما و روحانیان عصر قاجار از نخستین گروه‌هایی بودند که تبعات اقتصادی، فرهنگی و مذهبی این تجارت جدید را درک کردند و برای حمایت از تولیدات داخلی و حفظ قدرت و ثروت ملی به نفی کالاهای خارجی پرداختند.

ایشان در اعلامیه‌ها و فتاوای خویش ضمن تحریم کالاهای خارجی به تشویق مردم و تجار برای استفاده از تولیدات داخلی پرداخته و خطر نفوذ اقتصادی و سلطه کفار و بیگانگان را بر همگان گوشزد کرده و به مخالفت با سیاست‌های اقتصادی دربار و عمال قاجار دست زده و بر اعطای امتیازات تجاری متعدد اعتراض کرده و آن را موجب وابستگی بیشتر کشور به بیگانگان دانسته‌اند. علمای شیعه دوره قاجار با چنین رهیافتی وقت خود را مصروف حمایت از تولیدات داخلی کرده و علاوه بر آن در بُعد عملی نیز دست به کار شده و تلاش‌هایی برای ایجاد صنایع جدید در کشور و رفع نیازها و حوایج مردم انجام دادند. چنان‌که مشخص است این نوشتار به دنبال آن است تا با بهره‌وری از منابع مختلف کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی تحقیقات تاریخی، سیره عملی عالمان و روحانیان عصر قاجار در حمایت و صیانت از تولیدات ملی و داخلی را بررسی و تحلیل کند.

### واژگان کلیدی

قاجاریه، عالمان و روحانیان، تولید ملی، تولیدات و محصولات غربی، تحریم، نفی کالاهای خارجی.

E-mail: sajad\_barzegar64@yahoo.com

E-mail: fattahin@yahoo.com

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تبریز.

<sup>۲</sup> استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد.

## مقدمه

اروپا در سده‌ی هجدهم با انقلاب صنعتی مواجه گردید و استفاده از نیروهای طبیعی مانند نیروی بخار آب برای به کار انداختن کارخانه‌ها نخست در انگلستان و سپس در ممالک دیگر اروپا رواج یافت و در رشته‌های گوناگون صنایع خاصه نساجی و ریسندگی اختراعات تازه به عمل آمد و تحول جدیدی روی داد که نتیجه آن بالا رفتن سطح تولید بود. انگلستان در رأس کشورهای صنعتی جدید قرار داشت و روسیه تزاری نیز به تدریج روش و تکنیک صنعت جدید، یعنی صنایع ماشینی را از اروپای غربی اقتباس و کارخانه‌های متعدد پارچه‌بافی و شیشه‌گری و چینی‌سازی و امثال آن‌ها دایر کرد. صنعت جدید با تولید زیاد، نیاز به بازارهایی برای فروش کالاهای صنعتی داشت. این امر باعث رقابت میان کشورهای صنعتی در ابتدای سده‌ی نوزدهم گردید. ایران نیز خواه و ناخواه در میانه حوادث نامطلوبی قرار گرفت که در حقیقت نتیجه‌ی آن تحولات و کشمکش‌ها بود. درک مسائلی که در این دوران رخ داد با توجه به مختصات کلی جامعه و تحلیل ماهیت رابطه‌ی غرب با ایران امکان‌پذیر است.

در واقع با وقوع انقلاب صنعتی و گسترش مناسبات اقتصادی دنیای سرمایه‌داری؛ تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی بزرگی در کشورها و جوامع غیر صنعتی رخ داد و باعث برهم خوردن ثبات اجتماعی و بروز واکنش و مقاومت (Resistance) در میان مردمان این کشورها گردید؛ چرا که ورود چیزهای «جدید» یا «تازه» هیچ‌گاه بدون دردسر نبود و تغییر سبک زندگی یا بخش‌هایی از آن همواره با مخالفت‌ها و مقاومت‌هایی روبرو بوده است. در رأس جریان مخالفان این مراد و تجارت زیان‌بار با مغرب‌زمین عالمان و روحانیان عصر قاجار به عنوان مراجع فکری و عقیدتی مردم قرار داشتند. ایشان در مواجهه و برخورد با این قبیل کالاهای و عناصر جدید غربی سیره و روش متفاوتی در پیش گرفتند که در این مقاله بدان پرداخته شده است. از این‌رو سؤال اصلی نوشته‌ی حاضر این است که عالمان و روحانیان عصر قاجار چه نقشی در حمایت و صیانت از تولیدات ملی و داخلی داشتند؟

درباره‌ی مواجهه‌ی علما و مراجع تقلید ایران با فرهنگ و محصولات غربی در یکی دو دهه‌ی اخیر مطالعات متعددی صورت پذیرفته است. موضوع این آثار مطالعه‌ی واکنش‌ها و تصمیمات علما و روحانیان ایرانی (اعم از مقیم ایران یا عتبات) در قبال صدور کالا و سرمایه‌ی خارجی به ایران است. «غرب‌شناسی علمای شیعه» اثر احمد رهدار و کتاب «عالمان شیعه و صیانت از سرمایه‌های ملی» نوشته‌ی مهدی ابوطالبی و کتاب «اندیشه‌ی تحریم و خودباوری» تألیف موسی نجفی در زمره همین آثار است. در دو نوشته‌ی اخیر روی‌کرد ضد استعماری «عالمان» و «روحانیان» به‌ویژه از جنبش تنباکو به بعد مورد توجه قرار گرفته و مبانی نظری و اقدامات عملی ایشان در حمایت از تولید ملی و شکل‌گیری مبارزه ملی علیه صدور کالا و سرمایه‌ی غربی به ایران معرفی گردیده است. در این آثار «تحریم» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین واکنش‌های علما در قبال حضور عناصر فرهنگی بیگانه در کشور یاد شده و نمونه‌های تاریخی آن ذکر شده است.

از دستاوردها و یافته‌های این آثار در پژوهش حاضر نیز استفاده شده است؛ اما لازم به یادآوری است که هیچ‌کدام از این آثار به‌صورت مستقل به بررسی این مسأله نپرداخته و یا اصولاً یک پژوهش خالص تاریخی محسوب نمی‌گردند. همچنین محدوده زمانی این پژوهش با این نوشته‌ها تطابق کامل ندارد. بنابراین در مقاله حاضر بناست با روی‌کردی تاریخی واکنش‌ها و نحوه مواجهه مراجع، علما و متدینان دوره‌ی مذکور با سیل کالاهای غربی را تحلیل و تبیین کنیم. بدین جهت ابتدا نگاهی مختصر به روند ورود کالاها و مصنوعات خارجی به ایران خواهیم داشت و سپس نحوه برخورد و مواجهه اقشار مذکور با این تازه‌واردان را بررسی خواهیم کرد.

## ۱. روند ورود کالاها و مصنوعات خارجی به ایران

در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه و محمدشاه در نیمه اول سده‌ی نوزدهم، سرمایه‌داری اروپای غربی مبدل به قدرت سیاسی عمده شد و سرمایه‌داری صنعتی به سرعت جای سرمایه‌داری تجاری را گرفت. این اتفاق از نظر اقتصادی نتایج و پیامدهایی را در کشورهای «نیمه‌مستعمره» همچون ایران به‌دنبال داشت، از جمله: ادغام کشورهای نیمه‌مستعمره در بازار جهانی و از هم-پاشیدگی بازارهای کوچک محلی، رشد تجارت خارجی، تخصص‌یابی در تولید و صدور مواد خام، زوال صنایع دستی بومی، رواج مصنوعات غربی و به‌طور کلی وابستگی اقتصادی به قدرت‌های غربی (اشرف، ۱۳۵۹: ۴۶) از آغاز سده‌ی نوزدهم به‌دنبال

تضادهای سیاسی و تجاری کشورهای غربی، حمله سیاسی و تجاری انگلستان و روسیه به ایران آغاز گردید. در این زمان کشورهای غربی برای گسترش نفوذ خود در ایران از به کارگیری نیروی نظامی و جنگ با این کشور و سپس وادار کردن ایران به انعقاد قراردادهای گوناگون و گرفتن امتیازات اقتصادی و سیاسی هیچ ابایی به خود راه نمی دادند؛ چنان که می توان گفت: «روابط سرمایه داری در ایران با اعمال زور مستقیم و غیرمستقیم به وسیله استثمارگران و امپریالیست ها از راه صدور کالا و سرمایه و فرستادن کارشناس سیاسی و نظامی به کشور ما قدم گذاشته است» (سوداگر، ۱۳۵۷: ۱۶). به تعبیر فرزین وحدت «مدرنیت به آسیب زنده ترین و در نتیجه بیدار کننده ترین شکل خود؛ یعنی امپریالیسم نظامی گرانه، وارد ایران و بسیاری کشورهای دیگر شد» (وحدت، ۱۳۹۰: ۵۷).

سیاستی که اروپا درباره ایران در سده ی نوزدهم اتخاذ کرد عبارت بود از صدور هرچه بیشتر کالا به ایران برای فلج کردن صنایع بومی و محلی و همچنین جلوگیری از صنعتی شدن کشور و صدور مواد خام از ایران؛ این روند به بروز اختلالی عظیم در امور اقتصادی ایران انجامید و بخش عظیم ثروت های ملی ایران را روانه کشورهای غربی کرد و اقتصاد و سیاست و جامعه ی ایران را تحت تأثیر خود قرار داد.

واتسن در گزارش خود نوشته «از اواخر سده ی هجدهم فعالیت انگلستان برای صدور کالا به ایران تشدید گردید و در مقابل هیأت حاکمه ایران به سبب ناآگاهی نه تنها اقدامی برای حفظ و حمایت از صنایع داخلی انجام ندادند؛ بلکه دروازه های کشور را روی کالای بیگانه گشودند، به صورتی که در عصر فتحعلی شاه کلیه کالاهای انگلیسی از پرداخت مالیات معاف بودند» (واتسن، بی تا: ۱۲۴).

اتخاذ چنین تصمیماتی و اعطای چنین معافیت های مالیاتی و گمرکی منجر به تشدید واردات کالاهای خارجی شد به صورتی که رقم صادرات و واردات کشور با تغییر مواجه گردید.<sup>۱</sup> بازارهای ایران از جمله تبریز و گیلان مملو از چیت و ماهوت و پارچه های انگلیسی گردید، پارچه هایی که عمدتاً بافت منچستر بود (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۱۴). ژوبر در خلال گزارش های خود از ایران اشاره می کند که واردات ایران عبارت است از پارچه های ابریشمی و پنبه ای، قند، قلع، سرب، آهن، چینی آلات، چای و ماهوت از هندوستان و سکه های مسی و جواهرات و ماهوت و چرم دباغی شده از روسیه. وی همچنین بازار پارچه های فرانسوی را بسیار پر رونق یافته بود (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۲۰-۲۲۱ و ۳۳۳-۳۳۴). چند دهه بعد همین بازار گرم اجناس خارجی سبب شد تا شودزکو در زمان محمدشاه در گزارش خود بنویسد: «ورود کالاهای خارجی مردم گیلان را مجبور کرده است از تولید پارچه چشم بپوشند و به صدور ابریشم خام مبادرت کنند» (شودزکو، ۱۳۵۴: ۹۲).

در این دوره کشورهای اروپایی با انعقاد قراردادهایی با دربار شاهان قاجار بازارهای کشور را از مال التجاره های متنوع خود انباشته کردند؛ عمده اجناس وارداتی عبارت بود از: چلوار، چیت، پارچه های پیراهنی سفید و خاکستری، ظروف مسی، شمع، اسلحه و مهمات از انگلستان - پارچه های نخی، قند و شکر، نفت، شمع، چراغ، ظروف، آئینه، فلزات، کالسکه و سماور از روسیه - قند، ظروف چینی و شیشه ای، پارچه و اجناس ابریشمی از فرانسه - شیشه و بلور و قاشق و پارچه های پشمی از آلمان و اتریش - چای، چلوار، دارو و پارچه های حریر از هندوستان (دالمانی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۴۸۱-۴۹۵ و ۵۵۱-۵۷۶ و ج ۲، ۵۷۹؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۳۸۸ و ۳۸۶؛ کرزن، ۱۳۶۲: ج ۱، ۶۷۰-۶۷۱ و Stuart, 1854: 226).

معدالک رقابت اصلی بین دو کشور انگلستان و روسیه در جریان بود و بیشترین حجم کالاها و لوازم از طرف این دو کشور به ایران وارد می گردید. رقابت روسیه و انگلیس در درجه اول برای رخنه در امور مالی و اقتصادی ایران و کسب امتیازات اقتصادی و معافیت های گمرکی و عقد قراردادهای تجاری پرسود برای آن دو کشور آغاز گردید و روز به روز شدت یافت و هر دو رقیب برای پیشرفت مقاصد خود از هیچ اقدام و عمل سیاسی خودداری نکردند. بدین ترتیب تجارت خارجی ایران به مرور زمان در انحصار دو دولت زورمند روس و انگلیس قرار گرفت.

در اکثر منابع و سفرنامه ها به واردات پارچه های انگلیسی اشاره شده است. طبق گزارش پولاک «اغلب چیت های مصرفی ایران را کارخانه های منچستر تأمین می کند و این چیت ها به خصوص در آن دیار مطابق سلیقه ی ایرانی ها و برای فروش به مشرق - زمین تولید می شود» (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۹). کرزن در دهه ی ۱۸۹۰ م در همین زمینه می نویسد: اصفهان مصرف کننده ی «پارچه های نخی کارخانه ای که کم و بیش تماماً از منچستر و گلاسکو می آید» شده بود (کرزن، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۲). مطمئناً سابقه ای که اصفهان در تولید انواع پارچه داشت، سبب حیرت کرزن از رؤیت تولیدات نساجی کشورش در این شهر شده است.

پس از انعقاد معاهده ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ ق/ ۱۲۲۸ م. سیاست تجاری روسیه نیز شکل تازه‌ای به خود گرفت. روابط روسیه و ایران از دایره‌ی سیاسی - نظامی خارج گشت و جنبه‌ی سیاسی - اقتصادی به خود گرفت. از این زمان به بعد، نفوذ اقتصادی روسیه به سرعت گسترش یافت و تجارت شمال ایران به‌طور عمده زیر نظر آن‌ها قرار گرفت و بدین طریق سیل کالاهای روسی به‌طرف ایران سرازیر شد. جرج کرزن سیاست عمومی روسیه در آن زمان را چنین ارزیابی می‌کند: «یکی از اصول اساسی روس در مشرق این است که ابتدا نفوذ تجاری او مستقر شود و سپس قدرت سیاسی‌اش تأمین شود. تأسیس نمایندگی‌های بازرگانی و ایجاد راه‌های ارتباطی و اعمال مزایا و معافیت جهت اجناسی که از راه روسیه به بازارهای مشرق وارد و صادر می‌شود از مبانی تغییرناپذیر دیپلماسی آسیایی آن‌هاست» (کرزن، ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۸۰).

هرچند در ابتدای این دوره هنوز کفه‌ی ترازو به نفع انگلیس بود اما در اواخر سده نوزدهم کفه‌ی ترازو به نفع روسیه تغییر کرد و بیشترین حجم تجارت خارجی ایران در اختیار روسیه قرار گرفت (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۶۷ و جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۹). از سال ۱۸۹۰ م. به بعد؛ یعنی در اواخر دوره‌ی ناصری در دنباله تضادهای شدید دنیای صنعتی، دولت روسیه موفق شد در بازار صادرات و واردات ایران بر انگلستان پیشی بگیرد و آن‌را عقب براند (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۲۱). این در حالی بود که مدتی پیش از این انگلستان ۸۰ درصد از تجارت وارداتی و ۱۰ تا ۱۲ درصد تجارت صادراتی کشور را در دست داشت (کرزن، ۱۳۶۲: ج ۱، ۶۷۱).

به این ترتیب در داد و ستد تجاری ایران تغییراتی به وجود آمد، به‌طوری‌که روسیه ۵۷ درصد و انگلستان (به اضافه هندوستان) ۲۲ درصد کل معاملات تجاری ایران را به خود اختصاص دادند. بعد از آن‌ها عثمانی در مقام سوم و فرانسه در مقام چهارم قرار داشتند. علت برتری روسیه یکی سیاست حمایتی شدید تجارته بود که دولت روس از ۱۸۷۷ میلادی در پیش گرفت و دیگری مجاورت آن کشور با نواحی بسیار حاصل خیز ایران؛ یعنی خراسان و مازندران و گیلان. از دیگر دلایل موفقیت روسیه راه‌هایی بود که به‌وسیله‌ی شرکت‌های روسی ساخته شده بود. این راه‌ها مرز قفقاز و ماورای خزر را با مهم‌ترین شهرهای شمالی ایران مرتبط می‌کرد (دالمانی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۳۶). در عصر قاجار بازارهای خراسان و همچنین بازارهای شمالی کشور تبدیل به محلی برای فروش کالاهای روسی شده بود. کالاهای پارچه بیشترین حجم آن را تشکیل می‌داد (دالمانی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۱۱۱).

هانری رنه دالمانی سیاح فرانسوی در مشاهدات خود از بازارهای نیشابور و تهران نیز به انواع ظروف شیشه‌ای، فلزی و چینی و اشیای تجملی اروپایی به‌خصوص مصنوعات روسی اشاره کرده است (دالمانی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۱۱۱ و ۲۱۳ و ۴۰۸). گزارش استرآباد نامه نیز حاکی از داد و ستد قند و چایی و شکر و همه قسم پارچه‌های روسی و خرازی و بلورآلات در این ولایت است (استرآباد نامه، ۱۳۴۸: ۲۷).

## ۲. رواج و مصرف اجناس خارجی در ایران

در عصر قاجاریه، الگوی جدید مصرف از سوی تجار و دولت‌های خارجی در بازارها به مردمان ایران عرضه و حتی در برابر نیازهای ضروری و روزمره‌ی آنان چندین و چند حق انتخاب قرار گرفت و سلیقه و ذائقه خریدار ایرانی را تحریک کرد. ده‌ها و صدها مورد را می‌توان نام برد که جزو عناصر تولیدی خارجی محسوب می‌شوند؛ اما ایرانیان آن‌ها را پذیرفته‌اند و به آن‌ها خو کرده‌اند. برخی از این عناصر از زمان قاجارها وارد کشور شده و در فرهنگ خودی ادغام گردیده است و امروزه کمتر کسی تصور می‌کند که آن عناصر از غرب آمده‌اند مانند میز و صندلی، چای، سیگار، چرخ خیاطی، انبردست، چاپ، روزنامه، ساعت، دکمه، عینک و غیره (محمدی و مؤید حکمت، ۱۳۹۲: ۹۵). این قبیل لوازم و تولیدات خارجی زمانی در دسرساز می‌شد و موجب واکنش منفی و مقاومت مردم قرار می‌گرفت که مغایر با سنت‌ها و ارزش‌های دینی و ایدئولوژیک جامعه انگاشته شود یا آن‌که به لحاظ اقتصادی لطمه‌ای به شغل و درآمد گروهی از مردمان بزند، مثل لطمه‌ی اقتصادی که در همین دوره به پیشه‌وران و تولیدکنندگان کوچک محلی وارد گردید؛ در غیر این صورت کالاها و تولیدات ماشینی خارجی به خاطر نیاز و احتیاج<sup>۲</sup> و همین‌طور مزیت‌هایی از جمله قیمت ارزان، ظرافت و کیفیت بهتر، نو بودن و پر زرق و برق بودن موفق به تغییر سلیقه و ذائقه مردم می‌گردیدند و به‌مرور زمان مورد استقبال و پذیرش مردم قرار می‌گرفتند و بعد از مدتی در فرهنگ خودی ادغام می‌شدند. شواهد تاریخی نیز نشان از بازار خوب متاع فرنگستان دارد. مردم در حالی نسبت به خرید کالاهای صنعتی

غرب از خود رغبت نشان می‌دادند که در مقابل کالاهای تولیدی صنعت‌گران و پیشه‌وران ایرانی مشتری سابق خود را نداشتند و اصناف و صنوف شغلی مختلف یکی پس از دیگری شکسته و به شغلی دیگر یا به تولید و فروش اجناس جدید فرنگی مشغول می‌شدند.

مشاهدات سفرنامه‌نویسان غربی و مورخان محلی، مملو از گزارش‌هایی است که خبر ورشکستگی و انحطاط صنوف نساجی و اصناف وابسته به آن را بر اثر بی‌میلی و بی‌رغبتی ایرانیان نسبت به خرید امتعه ایرانی مخابره کرده‌اند، طبق گزارش شودزکو ساکنان گیلان تا قبل از ورود کالاهای خارجی از پوشاک‌هایی که در کارگاه‌های محلی فراهم می‌شد استفاده می‌کردند؛ اما پس از ورود کالاهای خارجی، چون کالاهای بومی توان رقابت با فرآورده‌های ارزان قیمت خارجی را نداشتند رو به کاهش و انحطاط گذاشتند (شودزکو، ۱۳۵۴: ۱۰۴-۱۰۷).

ورود کالاهای خارجی با ویژگی‌هایی که داشت مطمئناً موجب تغییر سلیقه مردم و روی‌آوری آن‌ها به مصرف کالاهای مصنوع گردید. میرزا حسین خان تحویل‌دار معتقد است با ورود این اجناس ارزان قیمت، سلیقه مردم تغییر کرد و به سوی اجناس خوش آب و رنگ خارجی متمایل گردید. توصیف وی از جماعت احرامی باف اصفهان گویای همین مطلب است: «روفرشی‌های فرنگی و کتان که درآمد بازار این‌ها شکسته و منحصر به دو دستگاه شد، آن‌هم دایم لنگ و معطل» (تحویل‌دار، ۱۳۸۸: ۱۲۲) محمدمهدی اصفهانی؛ دیگر نویسنده اصفهانی نیز، در تألیف خویش با عنوان *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، در تأیید مطلب بالا نوشته است: «مال فرنگ رواج یافته است و این فقره نیز پیوسته در اوج است» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۶).

عبدالله مستوفی مسافرت‌های شاه و درباریان به فرنگ را بی‌ربط به تغییر سلیقه مردم و استفاده از محصولات خارجی ندانسته و امین‌السلطان را مؤسس و مشوق این طرز زندگی در میان رجال و اعیان و توده مردم معرفی می‌کند. چنان‌که می‌نویسد: «...مسافرت‌های شاه به فرنگ سطح سلیقه درباری‌ها و بالنتیجه رجال مملکت را بالا برد. این سلیقه‌ها طبعاً به طبقات پایین‌تر هم سرایت کرد و تغییر لباس‌ها که از زمان میرزا حسین خان سپهسالار شروع شده بود، در این وقت عمومیت پیدا کرد. برک و قدک و قلمکار و آنچه که به درد جبه و قبا و ارخالق راسته می‌خورد، برای جلیقه و شلوار و سرداری مناسب نبود و ماهوت و فاسونی فرنگ جای آن را گرفت. چراغ روغن کرچک دهات مبدل به لامپ‌های نفتی و در خانه‌های اعیان شمع‌های پیهی مبدل به شمع‌های گچی یا لامپ نفتی شد. اثاثیه زندگی در همه چیز تغییر کرد و کم‌کم راه و پای صندلی و میز به خانه‌ها باز گردید. کناره‌های نمد و میان فرش‌های قالی مبدل به فرش قالی یک‌پارچه شد و درشکه و کالسکه جای اسب‌های سواری را گرفت. حتی اسب‌های کالسکه هم روسی شدند» (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۴۹۴-۴۹۵).

مستوفی در جای دیگر آورده: «لباس زن‌های ایرانی تا قبل از مسافرت‌های ناصرالدین‌شاه به فرنگ، عبارت بود از پیراهنی کوتاه و ارخالقی از آن کوتاه‌تر که برای پوشاندن بالای تنه به کار میرفت و زیرجامه‌ای که تا پشت قدم‌ها را می‌پوشاند. در زمستان کلج‌های هم برای حفظ از سرما بر آن اضافه می‌شد. سرپوش زن‌ها هم چارقدی بود که سر و موهای بافته بلند آن‌ها را می‌پوشاند. وقتی که می‌خواستند از خانه بیرون بروند، چاقچوری که زیرجامه در آن بگنجد، برپا و چادر سیاهی بر سر و روبندی از پارچه سفید با قلابه جواهر که از پشت کله آن‌ها می‌درخشید، به صورت می‌زدند. نقاب مویی مال خانم کربلایی‌ها و پیرزن‌ها بود. مسافرت شاه به فرنگ و دیدن لباس بالرین‌های پطرزبورگ که شلوار بافته‌ای چسبان نازکی به پا می‌کردند و زیرجامه بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن پوشیده و روی انگشت پا با نوای موزیک می‌رقصیدند، شاه هوسناک را بر آن داشت که زن‌های حرم خود را به این لباس درآورد. مد لباس خانم‌ها هم همیشه از اندرون شاه بیرون آمده ابتدا به شاهزاده خانم‌ها و زن‌های اعیان و بعد به سایرین سرایت می‌کرد. این بود که زن‌ها هم شروع به کوتاه نمودن زیرجامه‌ها کردند...» (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۵۱۰-۵۱۱)

### ۳. مقاومت و نفی کالاها و تولیدات خارجی

مراوده تجاری زیان‌بار با مغرب‌زمین و بی‌تدبیری، سهل‌انگاری و منفعت‌جویی دولت‌مردان قاجار در قبال ورود فزاینده کالاهای خارجی، سرانجام به شکل‌گیری اعتراض و تحریم این محصولات منجر شد. اوراق و رساله‌های انتقادی روشن‌فکران و میهن‌پرستان و فتاوی علمای دین در عصر ناصری و دوره مشروطه آکنده از مطالبی است که نسبت به کوتاهی دولت در قبال

تولید ملی و رواج اجناس بنجل خارجی گله‌مند هستند. در اکثر این نوشته‌ها قابلیت و کارکرد ابزار و محصولات جدید غربی محل تردید قرار گرفته و شیوه یا ابزار سنتی را نسبت به آن‌ها ارجح دانسته‌اند.

سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ یکی از همین آثار است. سیاحت‌نامه اگرچه در قالب رمان تهیه و تدوین شده است ولی حقیقتاً مانیفستی علیه وضع نامناسب موجود و بشارت‌دهنده فردایی بهتر در افق مشروطگی است. حاجی زین‌العابدین در سیاحت‌نامه خود مسافری به نام ابراهیم بیگ را به تصویر می‌کشد که برای اظهار عقاید و بیان نظریات خود، تمام وسایل را برمی‌انگیزد و به هر وسیله‌ای متمسک می‌شود و به دیدار دوستان و آشنایان و کسبه و بازرگانان می‌رود و حتی خود را به خانه وزرای وقت می‌رساند و با آن‌ها درباره اوضاع کشور مجادله می‌کند. یکی از مجادلات داغ سیاحت‌نامه گفتگوی آتشین ابراهیم بیگ با «وزیر داخلی» در باب اوضاع پریشان کشور است. آنجا که وزیر نگون‌بخت را به رگبار سؤالات بسته و از او می‌پرسد: «... برای تربیت اطفال بی‌کس ملت، دارالصنایعی پرداخته‌اید؟ و در کدامین قصبه از قصبات وطن، برای تسهیل نقلیات راه‌های شوسه درست کرده و اسباب ترقی و تسهیل زراعت و فلاح را که مایه حیات ملک و ملت است فراهم آورده‌اید؟ در باب ترقی تجارت مملکت، که دولت‌های بزرگ دقیقه‌ای از آن غفلت نکرده بلکه میلیون‌ها پول در راه توسعه آن خرج نموده‌اند و در موقع اقتضا برای حصول آن مقصود خون‌ریزی‌ها کرده‌اند، چه اقدامات مجدانه از شما سرزده است؟ آیا هیچ خبر دارید که سالیانه از امتعه ایران چقدر به خارج حمل و نقل می‌شود؟ یا چقدر مال‌التجاره، از خارج داخل این ملک می‌شود؟ عجباً، هیچ به خاطر مبارک عالی‌خطور کرده است تدبیری به کار برده باشید که مقدار امتعه و محصولات داخلی که به خارج می‌رود بیش از آن باشد که از خارجه به مملکت داخل می‌شود، تا دخل وطن را بر خرج آن غلبه روی داده، رعیت را بدان وسیله توانایی حاصل آید و خزانه دولت آباد گردد. چرا باید رعیت ایران تا جزئیات لوازم زندگانی محتاج خارجه باشند؟ آیا شمع کافوری را خدای به صنعت خاصه خود اختصاص داده یا کار بشر است؟ مگر قند از آسمان می‌بارد؟ عجباً، خاک ممالک ایران استعداد رویندین چغندر و یا نیشکر را ندارد؟ مگر پیه گاو و گوسفندان ایران مانند پیه مویشی و دوآب ملل خارجه قابل تصفیه نیست؟ یا للعجب، مگر این - همه پنبه ایران که به کرورها به خارج می‌برند، کفایت ملبوس اهالی آن را نمی‌کند؟» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۸۷).

جمال‌زاده نیز سهل‌انگاری و کوتاهی داخلی و حضور نیروهای خارجی را علت انحطاط صنعت قدیم و پای‌نگرفتن صنعت جدید در ایران می‌داند (جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۷۷). وی ارزانی و آب و تاب کالاهای فرنگی را در کنار شیفتگی مردم عامل تخریب و انهدام صنایع ملی و بومی کشور دانسته و با انتقاد از مصرف‌گرایی و دل‌دادگی مردم و بزرگان به محصولات خارجی می‌نویسد: «با کمال تأسف باید اقرار کرد که گفته آنانی که می‌گویند از کاغذ قرآن ... تا چلواری کفن اموات خود محتاج به خارجی‌ان هستیم، عین حقیقت است و در انجام این فصل، یک حقیقت غم‌افزا را نباید نهفت و آن این است که گرمی بازار مصنوعات اروپا را که در ظاهر مقبول و قشنگ ولی در حقیقت دشمن پول و مایه ننگ ایران است، نباید فقط به بی‌مایگی نسبت داد بلکه نتیجه فرومایگی اولیا و بزرگان ایران است که یوسف متاع وطن را خوار شمرده و ناسنجیده مفتون رنگ و بوی ساخته‌های بیگانه شده و به قول معروف، مرغ همسایه را غاز پنداشته و با کمال مباهات و سربلندی، عمارات و پارک‌های خود را به زیورهای کودک‌فریب خارجه می‌آرایند و از فرط نادانی، دامن زر و سیم مملکت را که دارای قیمت ذاتی و دایمی است، در عوض چیزهایی که در اندک زمانی شکسته و دریده و پوسیده و نابود می‌شود، به خارجه می‌فرستند و هیچ‌وقت درصدد آن برنیامده‌اند که خودشان کارخانه‌ای برپا نموده مایحتاج خود را خود تدارک کنند» (جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۶).

وجه مشترک اغلب این نوشته‌ها نفی کالا و تولیدات غربی به دلیل تبعات اقتصادی و پیامدهای شغلی و مالی مخرب آنان است. در واقع اینان جهت حفظ ثروت ملی و در حمایت از تولید و صنایع داخلی به نفی محصولات ماشینی غربی پرداخته و کارآیی، جنس و کیفیت این قبیل کالاها را محل تردید قرار داده و کالای وطنی را برتر و ارجح‌تر دانسته‌اند.

از قضا ورشکستگی صنف نساجی درست مقارن همین زمان اتفاق افتاد، تحویل‌دار علت این امر را ورود پارچه‌های گوناگون خارجی از یک‌سو و در ادامه تقلید کورکورانه صنعت نساجی ایران از اجناس خارجی می‌داند که موجب روگردانی ایرانی از متاع خودی گردید در حقیقت صنف نساجی ایرانی مجبور به تغییر رویه گردید که این پارچه‌های تولیدی جدید نه کیفیت قدیمی را داشت و نه توان رقابت با مشابه خارجی (تحویل‌دار، ۱۳۸۸: ۱۲۰). در عصر ناصری بر اثر رواج کالاهای فرنگی و اعتیاد مردم کشور به مصرف این کالاها و به‌خصوص منسوجات نخی و پارچه منچستر که ظاهری بهتر و بهایی ارزان‌تر از پارچه‌های ایرانی داشت، صنایع نساجی کشور و به‌خصوص صنایع نساجی شهرهای صنعتی مرکزی کشور یعنی اصفهان، کاشان و یزد رو به زوال

نهاد (تحويل دار اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۲۱ و اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۳).

در این وضعیت پیشه‌وران و تولیدکنندگانی که علل شکست خود را ناشی از سلطه‌ی دنیای سرمایه‌داری بر اقتصاد ایران و وابستگی حکومت قاجار به آن می‌پنداشتند، با چنین دریافتی به جریان‌های معارض و مخالف سیاسی حکومت پاسخ مثبت دادند و از جمله در جریان جنبش تنباکو و سپس در نهضت مشروطه با روحانیان و سایر قشرها همراه شدند.

#### ۴. سیره عملی عالمان و روحانیان در حمایت از تولید ملی

روحانیان و علما دسته‌ای دیگر از مخالفان بودند که در اعلامیه‌ها و فتاوی خود به «تحریم»<sup>۳</sup> کالای خارجی و ترویج کالای داخلی پرداختند. یکی از اقدامات علمای شیعه در حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانیان در اواخر دوره ناصری و در عصر مشروطه، صدور اعلامیه و فتاوی مختلف در خصوص تحریم کالاهای خارجی و حمایت و تقویت صنایع و کالاهای داخلی کشور و ترویج فرهنگ استفاده از پارچه، لباس، کاغذ و انواع کالاها و صنایع ایرانی بود.<sup>۴</sup>

مرحوم آیت‌الله شیخ اسماعیل محلاتی صاحب رساله «ارشاد العباد الی عمارة البلاد» در ابتدای مشروطیت اعلامیه‌ای در واکنش به زوال اقتصاد داخلی و تحریم مصرف کالاهای خارجی به شرح ذیل صادر کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

و به نستعين في اعلاء كلمة الاسلام و اعزاز المسلمين

در ادوار سابقه، ابواب تجارت خارجه به این شدت و دوران به طرف ایران مفتوح نبود و غالب امتعه و البسه اهل مملکت نتیجه حرف و صنایع خود آن‌ها بود. در این دوره اخیر که اهل اروپا به ایران نزدیک شدند و مراوده آن‌ها با این مملکت، تدریجاً قوت گرفت، امتعه آن‌ها در بلاد منتشر شد و شدت اقبال سلطنت و کثرت رغبت او به نوع آن امتعه با متابعت حواشی و سایر اعیان مملکت به موجب «الناس علی دین ملوکهم» خصوصاً باز خرفه صوریه و جلوه ظاهریه که در مطلق امتعه و منسوجات آن‌ها است باعث شده است و نوع عامه و توجه نوع مردم به آن‌ها شد به حدی که امتعه وطنیه اسلامیة تدریجاً متروک و مهجور گشت و استعمال آن‌ها مختص به فرومایگان و عجزه که قادر بر تحصیل البسه خارجه نیستند، گردید حتی آن‌که تلبس به آن‌ها برای ذی شرف از مردم علی اختلاف درجاتهم ننگ و عار شد و راستی در حق بعضی جزء لباس شهرت آمد و بدین واسطه [رواج کالاهای خارجی]، حرف و صنایع ایرانیه رو به انحطاط و اندراس گذاشت و فقر و پریشانی مابین صاحبان آن حرف و اجزاء و حواشی آن‌ها بالا گرفته چه خانواده‌ها برچیده و چه کارخانه‌ها که بسته شد... آیا دیگر سزاوار نیست که از خواب غفلت بیدار شویم و اموال خود را مصرف در آبادی مملکت و قوت مذهب و ملت خود نماییم و چشم از زخرف و صورت‌سازی امتعه خارجی بپوشیم و به اجناس وطنیه اسلامیة خود حتی المقدور اکتفا کنیم و حرف و صنایع خود را تدریجاً توسعه و ترقی دهیم و ذلت مسلمین را که از حد گذشته به عزت مبدل نماییم و ممالک اسلامیة که موطن شریعت حق الهیه است معمور و آباد کنیم (به نقل از: زرگری نژاد، ۱۳۷۱: ۲۸-۲۹).

علما و مراجع تقلید در راستای شکل‌گیری و اثربخشی تحریم علیه محصولات خارجی و در کل جهت مبارزه با استعمار به چهار گروه علما و طلبه‌ها، درباریان، بازرگانان و تولیدکنندگان بیش از عامه مردم توجه کرده و در اعلامیه‌ها و مکاتبات خویش خواستار همراهی جدی آنان بودند (برای نمونه نک: زرگری نژاد، ۱۳۷۱: ۲۹؛ نجفی، ۱۳۹۳: ۸۴-۹۲). سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، معروف به صاحب عروه از فقهای نامدار شیعیان در دوره‌ی معاصر نیز در نامه‌ای که مخاطب آن احتمالاً یکی از تجار است از نفوذ خارجی‌ها در صنعت و اقتصاد کشور و ضعف تکنولوژی و تولید در میان مسلمین ابراز نگرانی کرده و مسلمین را به کار و تولید برای رسیدن به استقلال اقتصادی تشویق کرده و از مردم می‌خواهد در حد امکان از لباس و کالاهای اسلامی و داخلی استفاده کنند و از تشبه به کفار بپرهیزند (ابوالحسنی، ۱۳۸۶: ۱۶۰ و ۱۶۲).

در آن برهه استفاده از «لبسه فرنگی» یا به تعبیر فقها و مراجع «تشبه به کفار» آن‌چنان فراگیر شده بود که عبدالله مستوفی مجاب شد در یادداشت‌های خود بنویسد: «لباس راسته و بلند منحصر به تجار و روحانیون و بعضی پیرهای قدیمی است که تغییر لباس را مخالف حیثیت خود می‌دانند...» (مستوفی، جلد ۱، ۱۳۸۴: ۵۱۰).

فارغ از چنین برداشت‌هایی، باید دانست که این‌گونه اقدامات و تصمیمات علما و روحانیان در مقابله و مواجهه با غرب مبتنی بر برخی اصول و ادله فقهی و کلامی بوده که می‌توان آن را مبنای نظری اقدامات علما و روحانیون در برابر غرب دانست. این

اصول متعدد را پیش از این احمد رهدار در کتاب غرب‌شناسی علمای شیعه (و در مقاله‌ای تقریباً با همین عنوان) بررسی و معرفی کرده‌است. بدین جهت و برای اختصار بحث از معرفی کامل این اصول صرف نظر کرده و تنها چند اصل مهمی که در برانگیختن واکنش منفی علما و متدینین نسبت به عناصر مادی و رفاهی مغرب‌زمین اثرگذار بوده‌اند به اجمال اشاره خواهد شد.

## ۱- اصل «نفی سبیل»

یکی یا شاید مهم‌ترین اصل در بحث تعامل مسلمانان با کفار، اصل نفی سبیل است. این اصل که از آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»<sup>۵</sup> گرفته شده است. بر اساس دستور آیه شریفه، کفار نباید هیچ سلطه و تفوقی بر مسلمانان داشته باشند. از این اصل، فروع فقهی زیادی در مورد تعامل و ارتباط با کفار گرفته شده است. چنان‌که علمای شیعه در موارد متعددی دلیل تحریم کالاهای خارجی یا مخالفت با عقد برخی قراردادهای سیاسی و اقتصادی را پیش‌گیری یا دفع خطر سلطه کفار بر مسلمین مطرح کرده‌اند. برای نمونه، مرحوم محمدکاظم طباطبایی در پاسخ به استفتایی مبنی بر حکم استفاده از کالاهای خارجی در صورت استفاده از مشابه داخلی آن کالا می‌نویسد: «هرچه موجب تقویت و شوکت کفر و کفار و باعث ضعف اسلام و مسلمین است حرام است، چه از معاملات باشد یا غیر آن از آن چه باشد... و بسی سزاوار است که مسلمین، کلیه، هرگاه ممکن باشد، بدون ترتیب مفسده تحرز کنند از چیزهایی که در معرض تقویت کفر است» (حبل‌المتین، ۱۳۲۴ق: ش ۳۳، ۲۰). یا اندکی بعد به سال ۱۳۲۹ هجری قمری مراجع بزرگ نجف؛ مرحوم ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی در تلگرافی به علمای استرآباد نتیجه مراد به فرنگستان را گوشزد کرده و از مردم تقاضای تحریم کالاهای روسی را خواستارند در بخشی از این تلگراف آمده است: «هرچند به بعض ملاحظات و انتظار فراهمی تمام مقدمات، هنوز حکم به حرمت امتعه روسیه، به عموم مسلمین اعلان نشده، مترصد موقع هستیم؛ لیکن عموم غیرتمندان اسلام به رأی‌العین می‌بینند که استعمال امتعه خارجه در بلاد اسلامی تا به حال به چه درجه موجب تسلط کفار بر مسلمین داخله شده. حالا به ذهاب بیضه اسلام و زوال اسلامیت و استقلال مملکت هم العیاذ باللّٰه تعالی نوبت رسیده. بقاء سالدات روس به بهانه حفظ تجارت روسیه در ایران، تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه منوره حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام خدای نخواستہ موءدی خواهد بود... إن شاءاللّٰه تعالی عموم آقایان علما و امرا و تجار محترم و طبقات غیرتمند اسلام تمام این مفاصد را نصب‌العین خود فرموده به همان فطرت پاک ایمانی و به شرافت طبع اسلام‌پرستی از این امتعه خبیثه و فصول عیش که موجب ذهاب دین مبین و استیلائی کفر بر ممالک اسلامی است به کلی اغماض، در فوز به فیض این جهاد اقتصادی که به منزله جهاد و شهادت در رکاب امام زمان ارواحنا فداه است، مسارعت و برهم‌دیگر مسابقت خواهند فرمود» (احمد رهدار، ۱۳۸۴: ۵۲-۵۳).<sup>۶</sup>

## ۲- اصل «حرمت تشبّه به کفار»

برخی از احادیث و روایات دینی مسلمانان را از مشابهت به کفار به‌ویژه در اموری که از ویژگی‌های خاص آنان است، بر حذر داشته‌اند؛ و در حقیقت، بر حفظ اصالت‌های دینی (اعم از ارزش‌ها و روش‌ها) در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأکید ورزیده‌اند.<sup>۷</sup> دلیل این که در این روایات، مؤمنان را از شبیه شدن به کفار نهی کرده‌اند این است که مشابهت و همسانی ظاهری با آن‌ها موجب از بین رفتن تمایزات ظاهری بین مسلمانان و کفار شده و آرام‌آرام تفاوتی بین آن‌ها دیده نمی‌شود و به تدریج، این تشابه ظاهری به تشابه در رفتار سرایت کرده و بعد از آن هم تشابه و هم‌سویی در عقاید را پدید خواهد آورد (ابوطالبی، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۳).

بر همین اساس علما در موارد متعددی مسلمانان را از استعمال کالاهای خارجی نهی کرده‌اند؛ از جمله مرحوم ملا فتح‌الله غروی شیرازی اصفهانی معروف به شیخ‌الشریعه اصفهانی (۱۳۳۹-۱۲۶۶ قمری) با استناد به حدیث «لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي و...»<sup>۸</sup> می‌نویسد: «غلب مفاصدی که در اعمال و عقاید مسلمین پیدا شده، از اختلاط آن‌ها با کفار و تشبیه به آن‌ها در گفتار و کردار و... هست» (حبل‌المتین، ۱۳۲۴ق: ش ۳۳، ۲۰).



### ۳- سایر اصول

علاوه بر اصل «نفی سبیل» و اصل «حرمت تشبّه به کفار»، اصول متعدد دیگری نیز در تصمیم‌گیری علما و متدینان در برابر غرب تأثیرگذار بوده است که به جهت پرهیز از طولانی شدن بحث، از تفصیل در مورد آن‌ها خودداری کرده و تنها به ذکر آن‌ها اکتفا می‌شود. برخی از آن اصول عبارت‌اند از: اصل «حرمت دوستی و موَدّت با کفار»، اصل «لاضرر و لاضرار»، اصل «لاهم فالاهم»، اصل «حفظ بیضه اسلام»، اصل «المیسور لایترک بالمعسور» (اصل قدر مقدور)، اصل «الایسر فالایسر»، اصل «حرمت القای نفس در تهلکه» و...

تحریم و صدور اعلامیه و فتوا تنها واکنش علما و مراجع نسبت به گسترش مناسبات اقتصادی مغرب‌زمین در ایران نبود؛ بلکه ایشان در برابر «نفوذ و سلطه اقتصادی و تجاری کفار» دست به اقدامات عملی هم زدند. اقداماتی از قبیل راه‌اندازی و شرکت در مبارزاتی همچون جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه یا اقدامات اقتصادی همانند تشکیل انجمن شرقی و راه‌اندازی شرکت اسلامی که صرفاً برای حمایت و صیانت از تولید و سرمایه ملی شکل گرفت نمونه‌هایی از این دست است.

برای نمونه بد نیست بدانیم شرکت اسلامی که در سده نوزدهم برای حمایت از تولیدکنندگان منسوجات داخلی و تجار ایرانی پدید آمد، از ابتدا توسط علما و روحانیان به صورت یک هیأت اسلامی شروع به کار کرد. احمد مجدالاسلام کرمانی، سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، میرزا نصرالله بهشتی، ملک‌المتکلمین و میرزا علی‌جناب، انجمنی به نام/انجمن شرقی تشکیل داده بودند. این انجمن دو هدف در بر داشت:

- ۱- از طریق وعظ و خطابه در منابر و مساجد مردم را به استفاده از کالاهای وطنی دعوت و ترغیب کنند.
  - ۲- با تجار مذاکره کنند و سرمایه‌ای برای تشکیل شرکت وطنی فراهم آورند (زاهد زاهدانی و گروسی، ۱۳۸۱: ۲۳۱).
- مخالفت با ورود کالاهای فرنگی با سر آمدن عصر ناصری و با تشکیل/انجمن شرقی و/انجمن اسلامی ابعاد تازه‌ای یافت که هدف آن ایجاد شور و شوق ملی برای تأسیس شرکت‌های صنعتی بود تا وابستگی کشور به کالاهای وارداتی غربی را کاهش دهد. هدف شرکت در ماده چهل و دوم کتابچه و نظام‌نامه آن بدین‌گونه آمده است: «شرکت اسلامی به کلی از داد و ستد متاع خارجه به جهت خالصه خود ممنوع است... و فقط هم خود را مصروف ترقی امتعه داخله و آوردن چرخ و اسباب کارخانجات لازم مفیده خواهد نمود» (کتابچه و نظام‌نامه شرکت اسلامی اصفهان، ۱۳۱۹ قمری: ۱۹)، همچنین در ماده چهل و پنجم آمده است که «شرکت اسلامی غالب اوقات خود را صرف ترقی صنایع و امتیاز منسوجات داخله ایران و انتشار آن می‌نمایند که همه کس در هر جا از انواع مصنوعات و منسوجات طیبه وطنیه مستحضر باشد و کمتر پول و روح و ثروت مملکت را به بهای منسوجات خارجه از کیسه خود خارج نمایند و مسلم است هر قدر اقبال غیرتمندان وطن دوست موجب (رمنده) مصنوعات و لبس (لباس) و منسوجات نفیسه وطن بیشتر شود بیشتر اقدام خواهد شد و زیادتر ترقی می‌نماید و به مرور سلب احتیاج از اجانب می‌شود» (کتابچه و نظام‌نامه شرکت اسلامی اصفهان، ۱۳۱۹ قمری: ۲۰).

در نتیجه این اقدامات زمینه‌ی تشکیل یک شرکت بزرگ ملی برای بی‌نیازی از کالای خارجی فراهم آمد و در سال ۱۳۱۶ قمری/ ۱۸۹۸ میلادی شرکت اسلامی اصفهان با شراکت علما و بازاریان عمده اصفهان تأسیس شد و خیلی زود شعب و فعالیت‌های شرکت به سایر شهرهای ایران و حتی خارج از ایران گسترش یافت (نجفی، ۱۳۹۳: ۱۲۸). تأسیس و انتشار اساس-نامه و پا گرفتن تشکیلات اولیه شرکت و دایر شدن شعبات آن با تأیید، تشویق و ترویج علمای طراز اول شیعه در عتبات عالیات و ایران همراه گردید.<sup>۹</sup>

### نتیجه‌گیری

ورود آن حجم از کالاهای گوناگون، ارزان‌قیمت و پُر زرق و برق ماشینی ساخت فرنگ تبدیل به چالشی برای الگوی خرید و مصرف ایرانیان آن دوره گردید و واکنش‌های متفاوتی را در بین مردمان ایران برانگیخت. هر یک از مردمان آن دوره با توجه به پایگاه اجتماعی خویش و همچنین با در نظر گرفتن؛ نفع یا ضرر شخصی، بهای اقتصادی کالا، نیاز، سلیقه، عادات، احساسات و ... نسبت به این محصولات خارجی واکنش مثبت یا منفی نشان دادند؛ اما آنچه که در این بین باعث ایجاد واکنش منفی و مقاومت به‌ویژه در بین متدینان جامعه گردید احساس تحمیلی بودن این عناصر است به‌خصوص اگر با ارزش‌ها و اعتقادات

جامعه هم طلاق پیدا می‌کرد؛ برای مثال دستور ناصرالدین‌شاه برای تغییر لباس زنان به سبک لباس بالرین‌های اروپایی و تغییر کلاه مردان به کلاه گرد اروپایی با اعتراض و مقاومت مردم روبرو شد. عامل بیگانه‌ستیزی نیز در مواردی که ابزار یا کالاها از جامعه‌ای دیگر اخذ یا اقتباس شده باشد، بر مقاومت افراد و گروه‌های آسیب‌دیده تأثیر می‌گذارد. به هر حال مردمان جوامع نمی‌خواهند به‌سادگی برتری فکری و فنی دیگران را بپذیرند؛ زیرا گویی تن دادن به آن، علاوه بر مضرات مالی و شغلی به‌نوعی پذیرش سلطه بیگانه و قبول حقارت خویش است. در همین راستا علما و روحانیان همگام با مبارزات ضد استعماری به نفی سلطه اقتصادی بیگانگان پرداختند. ایشان با آگاهی از پیامدهای منفی مراد تجاری با دولت‌های خارجی به مخالفت با گسترش مناسبات اقتصادی با مغرب‌زمین پرداختند. اعتراض به واگذاری امتیازات و معافیت‌های گمرکی به افراد و شرکت‌های خارجی و تحریم کالاهای خارجی قسمتی از تلاش‌های روحانیان برای کاهش وابستگی و مقابله با نفوذ اقتصادی بیگانگان بود. صدور فتاوی و اعلامیه‌هایی در جهت حمایت از تولیدات داخلی و کمک به استقلال اقتصادی کشور و حتی فراتر از آن تشکیل انجمن‌ها و شرکت‌هایی داخلی جهت کاهش وابستگی به غرب نمونه‌ای از اقدامات عملی آنان جهت حمایت از تولید، ثروت و اقتصاد ملی است. این‌گونه اقدامات و تصمیمات علما و روحانیان در مقابله و مواجهه با غرب مبتنی بر برخی اصول و ادله فقهی و کلامی نظیر اصل «نفی سیل» و «حرمت تشبه به کفار» بود که در متن مقاله بدان پرداخته شد.

### پی‌نوشت‌ها

- در دوره قاجاریه به سبب ناآگاهی شاهان قاجار از اوضاع جهان، رفت‌وآمد سفرا و نمایندگان دول اروپایی همچون انگلیس و فرانسه به قراردادهای سیاسی-تجاری منجر شد که در نتیجه آن هیأت حاکمه ما به اتخاذ سیاست درهای باز اقتصادی تن دادند. این قراردادها در کنار شکست‌های نظامی از روسیه تزاری و متعاقب آن بسته شدن معاهدات گلستان و ترکمان‌چای که حاوی بندهای تجاری و گمرکی بود، علاوه بر شکست‌های نظامی-سیاسی به بروز اختلالی عظیم در امور اقتصادی ایران انجامید. برای اطلاع از زمینه‌ها و کم و کیف این قراردادها و معاهدات نک: (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۵۱۰-۱۵۱۶ و ۱۵۸۲-۱۵۹۲؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۸۶؛ عبداله‌یف، ۱۳۳۶: ۲۰۱ و ۲۰۲؛ فوران، ۱۳۷۷: ۱۷۴-۱۷۵؛ عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۱۰ و فشاھی، ۱۳۶۰، ۱۳ و ۹۵-۹۴).
- درباره شدت نیاز ایران به کالاها و محصولات خارجی نک: (کرزن، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۶۶-۶۶۷).
- تحریم همواره به‌معنای فقهی آن؛ یعنی «حرام دانستن» نیست، بلکه گاهی به‌معنای پرهیز از استفاده است (ابوطالبی، ۱۳۹۵: ۴۵).
- موسی نجفی در کتاب «اندیشه تحریم و خودباوری» تعداد زیادی از این‌گونه اعلامیه‌ها و فتاوی را جمع‌آوری و معرفی کرده است. برای اطلاع از متن این اعلامیه‌ها نک: (نجفی، ۱۳۹۳: ۷۷-۱۲۷).
- نساء، آیه ۱۴۱ (خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است).
- در خصوص عدم تفوق و سلطه کفار بر مسلمانان، نامه‌ها و مواضع میرزای شیرازی و ملأ علی کنی به ناصرالدین‌شاه در قبال قرارداد رویتر نیز قابل ملاحظه است. نک: (احمد رهدار، ۱۳۸۴: ۵۱-۵۲).
- از جمله در روایتی از پیامبر (ص) آمده: لَيْسَ مِثْلًا مَنْ تَشَبَّهَ بِغَيْرِنَا، لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى «کسی که به بیگانه از ما شبیه شود از ما نیست، از مشابهت با یهود و نصاری پرهیز کنید». یا در روایتی دیگر از امام علی (ع) نقل شده: مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ عُذِّ مِنْهُمْ «هر کس شبیه قومی شود، از زمره آنان محسوب خواهد شد.» (روایت اول از: مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۳۴۶؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۵۹ و روایت دوم از: مستدرک الوسایل، ج ۱۷، ص ۴۴۰ به نقل از: احمد رهدار، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۶).
- حدیث «وَحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَغْدَائِي وَلَا يَسْأَلُوا مَسَالِكَ أَغْدَائِي فَيَكُونُوا أَغْدَائِي كَمَا هُمْ أَغْدَائِي.» حدیثی است منسوب به امام صادق (ع) که در کتب مختلف فقه و حدیث ثبت و ضبط شده است. از جمله: من لايحضرة الفقيه، ج ۱، ص ۲۵۲؛ عيون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶؛ علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۴۸ و... (به نقل از: احمد رهدار، ۱۳۸۴: ۵۶).
- برای اطلاع از متن اعلامیه‌های علمای شیعه در حمایت از اقدامات و فعالیت‌های شرکت اسلامی نک: (صدرالواعظین اصفهانی، ۱۳۱۸ قمری: ۴۰-۳۸؛ نجفی، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۴۲؛ ابوطالبی، ۱۳۹۵: ۷۷-۷۴).

### منابع

الف: کتاب

۱. ابوطالبی، مهدی، (۱۳۹۵)، *عالمان شیعه و صیانت از سرمایه‌های ملی*، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان.
  ۲. *استرآبادنامه*، (۱۳۴۸)، به کوشش مسیح ذبیحی، با همکاری ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین.
  ۳. اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، دوره قاجاریه، تهران، انتشارات زمینه.
  ۴. اصفهانی، محمد مهدی، (۱۳۶۸)، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، چ ۲، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، امیرکبیر.
  ۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان، (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
  ۶. پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران، خوارزمی.
  ۷. تحویل‌دار اصفهانی، میرزا حسین، (۱۳۸۸)، *جغرافیای اصفهان (جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصفهان)*، به کوشش الهه تیرا، تهران، اختران.
  ۸. جمالزاده، محمدعلی، (۱۳۸۴)، *گنج شایگان*، اوضاع اقتصادی ایران، چ ۳، تهران، انتشارات سخن.
  ۹. دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸)، *از خراسان تا بختیاری*، ج ۱ و ۲، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر طاوس.
  ۱۰. ژوبر، پ. آمده، (۱۳۴۷)، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه علیقلی اعتمادمقدم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
  ۱۱. سپهر، محمدتقی لسان‌الملک، (۱۳۷۷)، *ناسخ التواریخ*، ج ۱، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر.
  ۱۲. سوداگر، محمدرضا، (۱۳۵۷)، *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران*، تهران، بی‌نا.
  ۱۳. شودزکو، الکساندر (۱۳۵۴)، *سرزمین گیلان*، ترجمه سیروس سهامی، تهران، پیام.
  ۱۴. صدرالواعظین اصفهانی، جمال‌الدین [چاپ سنگی]، (۱۳۱۸ قمری)، *لباس التقوی*، شیراز، دارالطباعه محمدی.
  ۱۵. عبدالله یف، فتح‌الله، (۱۳۳۶)، *مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در ایران*، ترجمه غلامحسین متین، تهران، انتشارات ستاره.
  ۱۶. عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵ ه ق)*، چ ۲، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره.
  ۱۷. فشاهی، محمدرضا، (۱۳۶۰)، *تکوین سرمایه‌داری در ایران*، بی‌جا، انتشارات گوتنبرگ.
  ۱۸. فوران، جان، (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات رسا.
  ۱۹. *کتابچه و نظام‌نامه قواعد مقننه و قانون صحیحه شرکت اسلامی* [چاپ سنگی]، (۱۳۱۹ قمری)، اصفهان، بی‌نا.
  ۲۰. کرزن، جرج‌ن، (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱ و ۲، چ ۲، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
  ۲۱. مراغه‌ای، زین‌العابدین، (۱۳۸۸)، *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ*، به کوشش محمدعلی سپانلو، تهران، نشر آگه.
  ۲۲. مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من*، ج ۱، چ ۵، تهران، انتشارات زوار.
  ۲۳. نجفی، موسی، (۱۳۹۳)، *اندیشه تحریم و خودباوری (تحلیل متون و اسناد تاریخی اقتصاد مقاومتی در تحولات سیاسی ایران)*، چاپ ۳، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
  ۲۴. واتسن، رابرت گرت (بی‌تا)، *تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات سخن.
  ۲۵. وحدت، فرزین، (۱۳۹۰)، *رویارویی فکری ایرانیان و مدرنیت*، چاپ ۳، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، انتشارات ققنوس.
  ۲۶. ویشارد، جان، (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران، مؤسسه انتشارات نوین.
27. Colonel Charles Stuart (1854), *Journal of a residence in northern Persia and the adjacent provinces of Turkey*, London, Bentley.

ب: نشریات

۲۸. ابوالحسنی، علی، (۱۳۸۶)، «مروری بر اندیشه و سیره سیاسی صاحب عروه»، فصل‌نامه تاریخ معاصر،

شماره ۴۲.

۲۹. رهدار، احمد، (آبان ۱۳۸۴)، «کلیاتی درباره غرب‌شناسی علمای شیعه با تکیه بر تحولات تاریخ معاصر ایران»، رواق اندیشه، شماره ۴، صص ۳۶-۵۹.

۳۰. زاهد زاهدانی، سعید و سعیده گروسی، (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، «هیأت‌های مذهبی و تشکیلات صنفی به‌مثابه سازمان‌های غیردولتی، مطالعه موردی دوره‌ی قاجار»، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲، شماره ۳۰-۳۱، صص ۲۱۵-۲۴۴.

۳۱. زرگری‌نژاد، غلامحسین، (شهریور ۱۳۷۱)، «ارشاد العباد الی عمارة البلاد رساله‌ای در دفاع از اقتصاد ملی در دوره قاجار»، فرهنگ توسعه، شماره ۱، صص ۲۲-۲۹.

۳۲. محمدی، سید بیوک و ناهید مؤید حکمت، (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «بررسی واکنش‌های ایرانیان به عناصر فرهنگی غرب»، دو فصلنامه غرب‌شناسی بنیادی، سال ۴، شماره ۱، صص ۸۱-۱۱۱.

ج: روزنامه

۳۳. روزنامه حبل‌المتین، (۱۳۲۴ قمری) سال سیزدهم، ش ۳۳.